

## کافه وکیل

### گفتگو با جناب آقای ناصر مولوی



وکلای پیشگام و موفق در کانون وکلای دادگستری خراسان همواره می‌توانند مانند نورافکنی موانع و نقاط تاریک شغل پر فراز و نشیب وکالت را به سایر همکاران، به ویژه وکلای جوان نشان دهند. از همین رو، فصلنامه وکیل مدافع در تلاش است تا ضمن دستیابی به این هدف، تاریخ شفاهی وکالت در خراسان را نیز غنی نماید. در این شماره مصاحبه ای با آقای ناصر مولوی، به عنوان یکی از وکلای پیشکسوت کانون وکلای دادگستری خراسان، صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

#### \*جناب مولوی ابتدا مختصری از تحصیلات خود بیان کنید؟

با تشکر از شما و همکارانتان در مدیریت نشریه کانون که کار بسیار خوب و لازمی برای کانون وکلای بزرگ خراسان است. عرض کنم حضورتان که من دیپلم طبیعی را در دبیرستان فردوسی مشهد گرفتم و به تناسب رشته تحصیلی دنبال کنکور پزشکی بودم و برای موفقیت در کنکور پزشکی همه کار کردم غیر از درس خواندن و چند سال از عمرم را تلف کردم تا بالاخره متوجه شدم رشته مورد علاقه من ادبیات هست. به تهران رفتم و در کلاس‌های شبانه، با معدل خوب دیپلم ادبی گرفتم و همان سال (یکی دو ماه بعد) در

۱. این مصاحبه توسط جناب آقای جمال مختاری (وکیل پایه یک دادگستری) در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ انجام شده است.



کنکور رشته ادبیات شرکت کردم. در سال ۱۳۳۵ دیپلم گرفتم و سال تحصیلی ۴۲-۴۳ وارد دانشکده حقوق شدم. بعد از اینکه دیپلم ادبی را در تهران گرفتم و با معدل خوب قبول شدم و حق اولویت برای انتخاب رشته بعدی داشتم، رشته حقوق قضایی را انتخاب کردم و خوشبختانه همان سال هم قبول شدم. در سال ۱۳۴۲ وارد دانشکده حقوق تهران شدم که در آن وقت دانشکده منحصر حقوق ایران بود و من هنوز لیسانس نگرفته بودم که دانشگاه ملی هم با اعتبار بالایی افتتاح شد.

### \*در چه سالی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شدید؟

اگر اشتباه نکنم، سال تحصیلی ۴۵-۴۶ بود. از آنجا بدیهی است که در وزارت دادگستری در کارآموزی قضایی شرکت کردم و پذیرفته شدم و شش ماه دوره کارآموزی بسیار فشرده را دیدم. صبح‌ها در شعب دادگاه‌ها و دادسراها کارآموزی عملی داشتیم و عصرها در سالن جنایی آنجا کلاس‌های علمی را گذرانیدیم. اساتیدی که غالباً رؤسای شعب دیوان عالی کشور بودند به ما درس می‌دادند.

### \*در چه سالی به عنوان قاضی وارد دادگستری شدید؟

اگر اشتباه نکنم سال ۴۶ و ۴۷ دقیق یادم نمی‌آید و آنجا خوشبختانه اولویتی در انتخاب محل خدمت داشتم و تربت حیدریه را انتخاب کردم و با دادیاری دادرسی تربت حیدریه به کار قضاوت اشتغال داشتم تا بالاخره دیدم که کار قضایی به هر حال کارمندی هست و آن تصویری که من از آن داشتم را ندارد. الزاماً از دادگستری استعفا کردم و با فاصله ای که افتاد نیمه اول سال ۵۶ از کانون وکلای تهران پروانه وکالت گرفتم و در مشهد شروع به کار وکالت کردم.

### \*جناب مولوی سمت‌های قضایی خود را بفرمایید.

بله عرض می‌کنم که خب زمان زیادی من نبودم. من با دادیاری سمت قضایی استخدام شدم در تربت حیدریه دو سال دادیار بودم در همان جا دو سال بازپرس بودم و شانس



خدمتی که داشتم قضات بسیار خوبی آنجا اشتغال داشتند که من هم تربیت قضایی را در حد استعدادم از آنها آموختم. آقای ضرغامی و آقای نجومیان را شما می‌شناسید و قبل از آنها آقای فرید و آقای غزینی هاشمی به عنوان قاضی دیوان کشور که خیلی به ایشان ارادت دارم. دو سال بازپرس بودم من را برای ریاست دادگاه بخش مستقل به طبس فرستادند که خاطرات خوبی از آنجا دارم و بعد به دادگاه بخش مستقل شیروان که بسیار پرکار بود و در آنجا دو دادرس علی البدل داشتم. همچنین، از من برای دادستانی سبزوار خواستند که به سبزوار بروم و در کل از تمام نزدیک ده سال قضاوت خاطرات بسیار خوبی دارم. سپس استعفا کردم و به وکالت آمدم که بسیار برای من مهم و لذت بخش بود و هنوز هم به اینکه وکیل دادگستری هستم افتخار می‌کنم و تعصب خاصی به این شغل دارم.

### \*به عنوان پرسش بعدی شروع دوره وکالت شما از چه زمانی بود و تحت سرپرستی کدام وکیل بودید؟

اوایل سال ۵۶ وکیل شدم ولی چون سابقه قضاوت داشتم نیازی به کارآموزی وکالت نداشتم، در نتیجه افتخار اینکه یکی از بزرگان آن وقت سرپرستی من را بگیرند نداشتم. نیازی نبود ولی عملاً کارآموزی وکالت را در شروع به وکالت در جامعه وکلا و نزد همکاران بزرگتر و پیشکسوت و استاد آموختم. جامعه وکلا ۱۱ سال قبل از ورود من تأسیس شده بود. وکلای بسیار فرهیخته و متین و آبرومندی آنجا بودند و در محضر آنها در جامعه وکلا که مستقر در دادگستری بود عملاً کارآموز بودم ولی این طور نبود که وکیل سرپرست داشته باشم.

### \*از ابتدای شروع وکالت به صورت مستمر کار وکالت را انجام می‌دادید یا به صورت گزینشی فعالیت می‌کردید؟

خیر، بسیار مستمر و با علاقه و پیگیر و قبول وکالت می‌کردم. پرونده‌های حقوقی داشتم و پرونده‌های جزایی را کمتر در دادگاه جنحه و بیشتر در دادگاه جنایی انجام می‌دادم.



پرونده‌های مهم قتل به دلایلی به من ارجاع می‌شد و مراجعه خیلی داشتم و فعال بودم. در بازپرسی‌ها و دادرهاها به خاطر ندارم که قبول وکالت کرده باشم.

### \* عمده فعالیت‌های وکالتی شما در زمینه حقوقی بود یا کیفری؟

تمایلم به کارهای حقوقی بود ولی به این معنی نیست که کار جزایی قبول نکنم. با مطالعه و با پاسخ و پرسشی که با موکلم داشتم و بررسی و مشورت با دوستان آن کارها را هم قبول می‌کردم. ولی علاقه ام به کار حقوقی بود و در پرونده‌های قتل پُر سر و صدا و مشهور در دادگاه‌های جنایی هم کار می‌کردم.

### \* از سال ۱۳۵۶ که وارد دادگستری شدید تا سال ۶۶ که دهه ابتدایی اشتغال شما به حرفه وکالت بود، حال و هوای آن دهه ابتدایی با دهه‌های دوم و سوم تفاوتی داشت؟

تفاوت چندانی نداشت. تعدادی از قضات روحانی آمده بودند و خب طبیعی بود. به تدریج قضات قدیمی هم بازنشسته شدند. آقای قاسم زاده، صفری پور، اوحدی، حسین هوشمند، صادق غیائی رئیس کل دادگاه‌های بخش بودند، چقدر معتبر، باسواد، متین و باصلابت و در عین حال محترم و به وکلا احترام می‌گذاشتند، خوش آمد می‌گفتند و با اشاره دست می‌گفتند بفرمایید.

### \* از همکاران قدیم و پیشکوتان وکالت اطلاعاتی دارید؟

از قضات و وکلای آن دوره ای که من بودم هیچ کدام زنده نیستند. آخرینشان مرحوم آقای خورشید بودند. ایشان از سال ۶۲ وکالت را شروع کردند و پس از انحلال مجلس شورای ملی که ایشان عضو هیئت رئیسه بودند. البته پروانه ایشان را برای مدتی تعلیق کردند که خوشبختانه دادرسرای یا دادگاه انتظامی نقض کرد. بقیه هم مانند آقایان صفوی، هوشمند، اوحدی، باستانی، پیرزاده و شهید پور خیلی جلوتر از ایشان فوت کردند.





### \*در زمان اخذ پروانه وکالت چندمین وکیل خراسان بودید؟\*

در زمان من کل خراسان حداکثر ۲۵ تا ۳۰ وکیل بیشتر نداشت و آقای شال فروشان با اینکه خیلی از من جوانتر بودند، اما چون از ابتدا پروانه وکالت گرفته بودند، پروانه ایشان زودتر از من بود. سائیرین هم مثل آقایان پیرزاده و فاضل بودند. حداکثر با کارگشا و وکلای پایه دو ۳۰ نفر بودیم.

### \*یکی از بهترین خاطراتان از دوران وکالت را بفرمایید.\*

خاطره که بسیار دارم. تازه پروانه وکالت گرفته بودم. محلی در سوم اسفند داشتیم که اتاق را تخلیه کرده بودند و اتاق نسبتاً بزرگ بود که نیاز به بازسازی داشت و خودم بالای سرکارگراها بودم. یکی از دوستان که خدا رحمتش کند با شخصی وارد شد و گفت که ایشان یک وکالتی در تربت جام برای برادرش می‌خواهد، قبول می‌کنی؟ گفتم قضیه چیست؟ گفت برادر ایشان را به خاطر وارد کردن اتباع بیگانه از افغانستان به مرز ایران دستگیر کردند، آدم قاچاق کرده و در کمیسیون امنیت اجتماعی که در فرمانداری تشکیل می‌شود به سه ماه حبس محکوم شده. من با این کار آشنایی داشتم چون وقتی قاضی بودم خودم نماینده آن کمیسیون بودم. به ریاست فرماندار و دادستان و یا رئیس دادگاه‌های بخش مستقل که آن وقت به جای دادستان، من بودم و رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری و نماینده ساواک تشکیل می‌دادند و حق داشتند حکم بدهند. من می‌دانستم حکم آنها در دادگاه استان قابل اعتراض هست. بعد از اخذ وکالت، لایحه دفاعیه را نوشته بودم که دیدم آن شخص یک پاکت حاوی ۲۰ هزار تومان به من داد که برای من خیلی جالب بود. برای اینکه ۲۰ هزار تومان معادل سه ماه حقوق دادستانی من در سال ۵۶ بود. همان روز حکم برائت موکل را صادر کرده بودند و تلگرافی به شهربانی تربت جام اعلام کرده بودند که ایشان تبرئه شده و آزادش کنید. مشابه این پرونده قاچاق، در تایباد و تربت جام فراوان داشتم و به دلیل شهرتی که پیدا کرده بودم مرتب به تایباد و تربت جام می‌رفتم.



## \*لطفاً بفرمایید که کانون خراسان چه زمانی تشکیل شد و نحوه تشکیل آن چگونه بود.\*

کانون خراسان بر اساس قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶، در سال ۱۳۷۷ تشکیل شد که ملاک آن داشتن تعداد وکلای بیش از ۶۰ نفر بود و چون ما به حدود ۷۰ نفر رسیده بودیم به تقاضای وکلای مستقر در جامعه و کلا از دادگستری، وزیر وقت دادگستری با تشکیل کانون خراسان موافقت کردند و نماینده ای به نام آقای احمدی نامی را فرستادند. ایشان گفت که متقاضیان ثبت نام کنند و عده ای ثبت نام کردند (البته من جزو متقاضیان نبودم) و صلاحیت بیشتر افراد احراز شد. انتخابات در محل جامعه و کلا برگزار شد و ۵ نفر که آقایان احمدی، ریاحی، نیکبخت، دکتر اعتماد سرابی و محمد زینالی بودند به عنوان اعضای اصلی و آقای شال فروشان نیز به عنوان علی البدل انتخاب شدند. از آنجا که هیچ مکانی برای استقرار نداشتند از وکلای جامعه کمک مالی خواستند و در نهایت با پول‌های جمع آوری شده، در بلوار مدرس یک آپارتمان ۷۵ متری توانستند اجاره کنند و خوشبختانه با همت هیئت مدیره وقت مخصوصاً آقای احمدی به تدریج توانستند در ۴ سال آن آپارتمان را بخرند و در نهایت کانون خراسان با سه آپارتمان متصل به هم تشکیل شد.

## \*نظرتان در مورد حرفه و کالت در ایران چیست.\*

در حال حاضر از همکاران (چون ده سال است که رسماً بازنشسته شده‌ام)؛ خیلی اخبار خوبی در این خصوص به من نمی‌رسد، اما در سال‌های دور، شئونات شغلی و کلا عمدتاً رعایت می‌شد و تا حدود زیادی وکیل را به عنوان بال دوم فرشته عدالت قبول داشتند و احترام متقابل با دستگاه قضایی هم طبیعی بود. در جامعه، وکیل دادگستری حرمت داشت و به نیکی و بزرگی از وی یاد می‌کردند. در اصل قضیه حرفه و کالت حرفه بسیار شریفی هست و از تمام رشته‌های تحصیلی دانشگاهی دیگر مفیدتر است؛ حتی از پزشکی، چون حوزه و کالت بسیار وسیع است و با حقوق تمام مردم سروکار دارد. این شغل در همه امور

کارایی دارد، از شرکت‌های تجاری تا ادارات دولتی و دانشگاه‌ها و ... البته خاطر م هست که همکاران هم رعایت شرافت شغلی و هم رعایت شئون آن را داشتند. الان من اطلاعات زیادی ندارم ولی بعضاً گلایه‌هایی می‌شنوم.

**\*فصلنامه وکیل مدافع مراتب سپاس و قدردانی را از جنابعالی اعلام داشته و برای شما آرزوی تندرستی و سلامتی می‌کند. در پایان اگر توصیه و راهنمایی به وکلای جوان دارید خواهش می‌کنم بفرمایید.**

وکلای جوان با توجه به فضای مجازی و پیشرفت‌های موجود، نیاز به توصیه خاصی ندارند و همه همکاران جویای فهم و کالت هستند و در امور پیگیری و مشورت می‌کنند. فقط من چون تعصب خاصی نسبت به شغل و کالت دارم، هنوز هم با وجود اینکه که سنم خیلی بالاست در تشکل حقوقی جامعه و کلا برای یادگیری شرکت می‌کنم و از حضور و تفکر همکاران جوان لذت می‌برم. با این حال، توصیه می‌کنم به اینکه شأن و شرافت و کالت را همیشه رعایت کنند و باید به گونه‌ای رفتار کنیم که دیگران و ادار به پذیرش شخصیت و حرمت وکیل شوند.

**\*خیلی متشکرم آقای مولوی و سپاس مجدد از اینکه وقت تان را در اختیار ما قرار دادید.**

از شما که بنده را پذیرفتید و با من گفتگو کردید و همکارانتان در مدیریت فصلنامه نشریه کانون سپاسگزاری می‌کنم. انشالله موفق باشید و حضور شماست که به کانون اعتبار خواهد داد.